

بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در گروهی از دانشجویان متأهل در دانشگاه شیراز

The Important Factors of Marital Conflict Between Married Students in Shiraz University

S. Samani, Ph.D.

دکتر سیامک سامانی

استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

The aim of this research was to determine the main factors involved in marital conflicts. Couples were selected randomly. To determine the main factors involved in marital conflict, a likert type scale was used. This scale includes 5 demographic items and 19 questions about the important factors of conflict between spouses. The results of this study revealed that the first six important factors of marital conflict are personality traits, love and affection, communication skills, commitment, family background, and refinement. The findings of this research showed that there are two general factors for marital conflict: family processes and family contents.

✉ Corresponding author: Dept. Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.
Tel: +9821-6278687
Fax: +98711-6276441
Email: samani@shirazu.ac.ir

چکیده:

هدف از این مطالعه بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی بود. گروه نمونه این مطالعه شامل ۴۰۰ زن و مرد متأهل بود (۲۰۰ مرد و ۲۰۰ زن). به منظور گردآوری اطلاعات از یک مقیاس مدرج هفت نمره‌ای استفاده شد. این مقیاس شامل ۵ سؤال در مورد ویژگی‌های فردی و خانوادگی و ۱۹ سؤال در مورد عمده‌ترین عوامل درگیری‌های زناشویی بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که شش عامل خصوصیات شخصیتی، عشق و علاقه، مهارت‌های ارتباطی، تعهد به زندگی، خصوصیات خانوادگی همسر و عدم پایبندی به اصول اخلاقی عمده‌ترین عوامل ایجاد درگیری میان همسران می‌باشند.

✉ نویسنده مسئول: شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، بخش روان‌شناسی تربیتی
تلفن: ۰۲۱-۶۲۷۸۶۸۷ دورنما: ۰۷۱۱-۶۲۷۶۴۴۱
پست الکترونیک: email: samani@shirazu.ac.ir

Also the results showed that the most frequently reported marital conflicts were those related to family processes.

Key Words: Marital conflicts, Family processes, Family resilience.

هم‌چنین نتایج این تحقیق نشان داد که دو عامل کلی درگیری میان همسران فرآیندها و محتواهای خانواده می‌باشند که در این میان عامل فرآیندها به‌طور عمده‌تری میان همسران ایجاد درگیری می‌کند.

کلیدواژه‌ها: درگیری‌های زناشویی، فرآیندهای خانوادگی، ارتجاع خانوادگی

مقدمه

هیچ خانواده‌ای رها از مشکل نمی‌باشد و فشارهای روانی حاصل از این مشکلات بخشی جداناپذیر از هر زندگی به حساب می‌آید (والش، ۱۹۹۶). درگیری‌ها و مشکلات خانوادگی از جمله مباحثی است که توجه متخصصان روان‌شناس و جامعه‌شناس را به خود جلب نموده است. درگیری میان اعضای خانواده از عمده‌ترین عوامل ایجادکننده فشار روانی برای اعضای خانواده به حساب می‌آید (پترسون، ۲۰۰۲). همین عامل موجب گردیده است تا تعداد زیادی از محققان به تهیه برنامه‌های آموزشی (دیل، ۱۹۹۶ و هان، هلی و دیل، ۲۰۰۲) و درمانی (برک، ۱۹۹۵ و والش، ۲۰۰۳) مختلف برای پیشگیری و درمان معضلات و مشکلات خانوادگی بپردازند. آموزش مهارت‌های ارتباطی^۱ به اعضای خانواده، آموزش مهارت‌های حل مسئله^۲، آموزش نحوه بیان خود^۳، روش‌های مختلف گروه‌درمانی و خانواده‌درمانی از جمله این اقدامات می‌باشند (اسمیت، ۱۹۹۹ و برک، ۱۹۹۵). از دیگر میدان‌های مورد توجه محققان در خصوص مشکلات و بحران‌های خانوادگی، شناسایی عوامل و علل ایجادکننده این بحران و درگیری‌ها میان اعضای خانواده می‌باشد. به‌طور مثال السون (۱۹۹۹) براساس دو بعد انسجام^۴ و انعطاف‌پذیری^۵ خانوادگی اقدام به شناسایی خانواده‌های متعادل از نامتعادل می‌نماید و مؤثرترین وسیله برای ایجاد تعادل در خانواده‌های نامتعادل را ارتقاء مهارت‌های ارتباطی میان اعضای خانواده معرفی می‌کند. به عقیده بارنز و السون (۱۹۸۵) با تغییر سبک ارتباطی میان اعضای خانواده می‌توان درگیری‌ها و بحران به‌وجود آمده میان اعضای خانواده را به حالت متعادل در آورد. والش (۱۹۹۶) نیز معتقد است خاصیت تاب‌آوری خانوادگی^۶ مهم‌ترین عامل در برخورد با بحران‌های خانوادگی می‌باشد. ارتجاع خانوادگی عبارت است از فرآیندهای پویایی که خانواده را قادر می‌سازد تا به‌طور موثری با موقعیت‌های جدید و پرفشار سازگار شود (لوتار، سیکچیتی و بکر، ۲۰۰۰). به عقیده والش (۱۹۹۶) توانایی ارتجاع خانواده نوعی توانایی قابل آموزش می‌باشد و با ایجاد این توانایی در اعضای خانواده می‌توان از بروز و تشدید بسیاری از بحران‌های خانوادگی جلوگیری به‌عمل آورد.

سامانی (۲۰۰۵) نیز در خصوص عوامل مؤثر بر کنترل و یا تشدید بحران‌ها و درگیری‌های خانوادگی با طرح مدل نظری «فرایند و محتوای خانواده»^۷ مجموعه‌ای از کنش‌های خانوادگی را در این امر مؤثر می‌داند. در این مدل فرآیندهای خانواده عبارتند از مجموعه‌ای از کنش‌ها که هر خانواده برای انطباق و سازگاری با شرایط جدید از آن‌ها استفاده می‌کند. استفاده از استراتژی‌های مختلف کنار آمدن، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری، سبک‌های تربیتی، توانایی تحمل، قدرت رهبری، درک دیدگاه متقابل و بیان خود از جمله این فرآیندها در خانواده می‌باشند. آستیلی، دووان و وروف (۱۹۹۳) معتقد هستند ریشه بسیاری از مشکلات و درگیری‌های خانوادگی و به‌ویژه زناشویی عدم ادراک متقابل و یا ضعف و نقص در ادراک دیدگاه‌های طرف مقابل می‌باشد. در واقع به اعتقاد این محققان، عدم هماهنگی شناختی میان زن و شوهر در خصوص یک مسئله خاص می‌تواند عاملی اساسی در بروز درگیری باشد. با وجود تحقیقات انجام شده در خصوص روش‌های مختلف برای پیشگیری و درمان مسائل خانوادگی و با توجه به فعالیت محققان در شناسایی عمده‌ترین کنش‌های مؤثر در مدیریت و کنترل بحران‌ها و درگیری‌های خانوادگی و زناشویی، کمتر تحقیقی به بررسی شایع‌ترین عوامل ایجادکننده بحران و درگیری میان اعضای خانواده پرداخته است. این‌که چه عامل و یا عواملی موجب بروز بحران در میان اعضای خانواده و به‌ویژه زن و شوهر می‌گردد، موضوعی است که در مقایسه با دیگر موضوعات کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش شناسایی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در خانواده می‌باشد. شناسایی این عوامل محققان و درمانگران را در انتخاب و توسعه مناسب‌ترین راه‌های درمان و پیشگیری یاری خواهد داد. در واقع فرض اولیه این پژوهش بر این مبنا استوار است که شناسایی عوامل ایجادکننده درگیری میان زن و شوهر می‌تواند محققان را در انتخاب و توسعه بهترین راه‌های پیشگیری و درمان مشکلات زناشویی یاری نماید. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که متوجه شویم عوامل ایجادکننده درگیری میان والدین از یک بافت^۸ فرهنگی و اجتماعی به بافت فرهنگی و اجتماعی دیگر متفاوت می‌باشد (والر، ۲۰۰۱ و مکای، ۲۰۰۳). با این مقدمه هدف از این پژوهش بررسی و شناسایی رایج‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در شهر شیراز است.

روش

مطالعه مقدماتی

در مطالعه مقدماتی^۹ برای شناسایی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی از روش مصاحبه استفاده شد. در این خصوص ۱۰۰ نفر زن و مرد متأهل (۵۰ زن و ۵۰ مرد) مورد مصاحبه قرار گرفتند. در جریان این مصاحبه از تک‌تک شرکت‌کنندگان خواسته شد تا به عمده‌ترین عوامل

ایجادکننده درگیری‌های زناشویی میان خود و همسران‌شان اشاره کنند. پس از خلاصه و طبقه‌بندی اطلاعات، داده‌های گردآوری شده در قالب نوزده موضوع درگیری میان همسران طبقه‌بندی شد. جدول شماره ۱ نشانگر نوزده موضوع درگیری زناشویی است که در مرحله مطالعه مقدماتی توسط گروه نمونه به آن‌ها اشاره شده بود. لازم به ذکر است به منظور افزایش روایی این طبقه‌بندی، پس از گذشت یک‌ماه از طبقه‌بندی اولیه، اقدام به دسته‌بندی مجدد داده‌ها براساس طبقه‌بندی نوزده‌گانه پاسخ گردید. نتایج حاصل از مقایسه میزان هماهنگی میان طبقه‌بندی اولیه و طبقه‌بندی مجدد نشان داد که داده‌ها در بیش از ۹۷٪ موارد مشابه طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۱: عمده‌ترین موضوعات ایجادکننده درگیری‌های زناشویی

موضوع درگیری	موضوع درگیری
عدم تعهد و وفاداری به زندگی زناشویی	یافتن شغل مناسب، دشواری شغلی
عدم استقلال و عدم خود اتکایی (یا وابستگی به دیگران)	وضعیت و خصوصیات خانوادگی همسر (اختلاف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی میان خانواده زن و شوهر)
عدم رضایت از جایگاه و پرستیژ اجتماعی یکدیگر	قیافه و ظاهر (زیبایی، جذابیت، قد، نحوه لباس پوشیدن و آرایش و...)
درآمد و سرمایه کم برای زندگی، فقر و بی‌پولی	عدم تحصیلات کافی (اختلاف سطح تحصیلات میان همسران)
غیراخلاقی بودن (عدم صداقت، ریاکاری، خودخواهی و...)	عدم عشق و علاقه و محبت به یکدیگر
ناپختگی و بی‌تجربگی (بی‌تجربه، عدم ورزیدگی برای زندگی، سرد و گرم نچشیده، رفتار بچه‌گانه و...)	عدم پابندی به مذهب (عدم رعایت مسائل مذهبی)
عدم مهارت در امور خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت و طرز برخورد با فرزندان	اختلاف سن و سال با یکدیگر (جوان و یا پیر بودن و اختلاف سنی میان همسران)
داشتن ارتباط‌های مشکوک با افراد جنس مخالف	عدم سلامت (جسمی و روانی)
خصوصیات شخصیتی (ناصبوری، نامهربانی، تنبلی، بی‌خیالی، حساسیت زیاد، عصبی بودن و...)	مهارت‌های ارتباطی (طرز برخورد و رفتار با اعضای خانواده و یا دیگران، عدم درک دیگران، عدم اجتماعی بودن و عدم رعایت احترام)
	کم هوشی و استعداد کم برای حل مسائل زندگی (دیر متوجه شدن مسائل، ناتوانی در حل مسائل زندگی، غیر منطقی بودن)

براساس یافته‌های مرحله مطالعه مقدماتی برای انجام مطالعه اصلی اقدام به تهیه یک مقیاس مدرج هفت نمره‌ای (خیلی بااهمیت=۷ و خیلی بی‌اهمیت=۱) گردید. این مقیاس دارای ۱۹ موضوع درگیری بود که براساس طبقه‌بندی ارائه شده در جدول شماره ۱ تهیه شد. در مقدمه این مقیاس از تکمیل‌کننده مقیاس خواسته می‌شد تا با مطالعه موارد نوزده‌گانه مطروحه در مقیاس مورد نظر، با در

نظر گرفتن درگیری‌های زناشویی خود با همسر در طی شش‌ماه گذشته، عامل درگیری زناشویی خود را در طی این شش‌ماه براساس راهنمای پاسخ‌دهی به سؤالات مشخص نماید. حداقل و حداکثر نمره در این مقیاس به ترتیب نوزده و یکصدوسی و سه بود. لازم به ذکر است که در انتهای این مقیاس از شرکت‌کنندگان در مطالعه خواسته می‌شد تا به یک سؤال باز تحت عنوان «چنان‌چه عاملی به جز عوامل موجود در این مقیاس عامل درگیری شما با همسرتان در شش‌ماه گذشته می‌باشد ذکر نمایید» پاسخ دهند.

مطالعه اصلی

گروه نمونه مورد مطالعه در این مرحله شامل ۴۰۰ نفر زن و مرد متأهل (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) شاغل در آموزش و پرورش و در حال ادامه تحصیل در دانشگاه شیراز در مقطع کاردانی به کارشناسی بودند. میانگین سنی گروه مردان برابر با ۳۹/۰۸ و میانگین سنی زنان برابر با ۳۶/۰ و متوسط طول مدت ازدواج گروه نمونه برابر با ۱۳/۲۳ بود. به منظور گردآوری اطلاعات در این مطالعه از مقیاس «عمده‌ترین مشکلات زناشویی» که براساس یافته‌های مرحله مطالعه مقدماتی تهیه شده بود استفاده گردید. این مقیاس شامل پنج سؤال دموگرافیک (جنسیت، سن، سن همسر، تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج) و ۱۹ سؤال در خصوص عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی بود. پس از تکمیل این مقیاس توسط گروه نمونه، اطلاعات گردآوری شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است که قبل از تکمیل مقیاس توسط گروه نمونه، اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرنباخ محاسبه گردید که این ضریب برابر با ۰/۸۹ بود ($n=30$). علاوه بر محاسبه ضریب آلفا برای مقیاس مورد نظر، محتوای مقیاس مورد تحلیل ماده^{۱۰} قرار گرفت که نتایج نشان داد، همبستگی سؤالات با نمره کل مقیاس در دامنه ۰/۲۵ الی ۰/۵۶ قرار دارد. ضریب اعتبار به شیوه آزمون و بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته بر روی ۳۴ نفر برابر با ۰/۸۹ محاسبه گردید ($P<0/001$). به منظور مطالعه مفصل‌تر کفایت این مقیاس هم‌چنین از روش تحلیل عامل به شیوه اکتشافی برای بررسی روایی سازه نیز استفاده گردید.

یافته‌ها

به منظور بررسی و شناسایی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی ابتدا به محاسبه میانگین و انحراف معیار هر یک از عوامل موجود در پرسشنامه پرداخته شد. جدول شماره ۲ نشانگر نتایج این تحلیل می‌باشد. به منظور بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در زنان و مردان از روش آماری MANOVA استفاده شد. نتایج این آزمون حاکی از آن بود که

عمده‌ترین عامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی برای زنان و مردان در مجموع به ترتیب عبارت بودند از: خصوصیات شخصیتی، عدم عشق و علاقه، مهارت‌های ارتباطی، عدم تعهد و وفاداری به زندگی، خصوصیات خانوادگی همسر و عدم پایبندی به اصول اخلاقی ($P < 0/001$ ، $F = 13/04$) = $F(3980, 18)$. برای مردان به ترتیب چهار موضوع خصوصیات شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی، تحصیلات و عشق و علاقه عمده‌ترین عامل درگیری با همسران بود ($P < 0/001$ ، $F = 5/10$) = $F(18, 3512)$. اما برای زنان به ترتیب چهار عامل عمده درگیری با همسران عدم عشق و علاقه، خصوصیات شخصیتی، تعهد و وفاداری و درآمد و سرمایه کم بود ($P < 0/001$ ، $F = 8/55$) = $F(3620, 18)$.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار موضوعات ایجادکننده درگیری‌های زناشویی

میانگین (انحراف معیار)	موضوع: درگیری	میانگین (انحراف معیار)	موضوع: درگیری
۳/۳۰ (۲/۶۱)	عدم تعهد و وفاداری به زندگی زناشویی	۲/۹۲ (۲/۰۶)	یافتن شغل مناسب، دشواری شغلی
۲/۹۲ (۲/۲)	عدم استقلال و عدم خود اتکایی (یا وابستگی به دیگران)	۳/۲۸ (۲/۰۷)	وضعیت و خصوصیات خانوادگی همسر (اختلاف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی میان خانواده زن و شوهر)
۲/۵۴ (۱/۹)	عدم رضایت از جایگاه و پرستیژ اجتماعی یکدیگر	۲/۳۶ (۱/۷۷)	قیافه و ظاهر (زیبایی، جذابیت، قد، نحوه لباس پوشیدن و آرایش و...)
۳/۰۵ (۲/۱)	درآمد و سرمایه کم برای زندگی، فقر و بی‌پولی	۲/۳۸ (۱/۷۸)	عدم تحصیلات کافی (اختلاف سطح تحصیلات میان همسران)
۳/۱۹ (۲/۴۷)	غیراخلاقی بودن (عدم صداقت، ریاکاری، خودخواهی و...)	۳/۴۴ (۲/۵۹)	عدم عشق و علاقه و محبت به یکدیگر
۲/۹۴ (۲/۰۹)	ناپختگی و بی‌تجربگی (بی‌تجربه، عدم ورزیدگی برای زندگی، سرد و گرم نچشیده، رفتار بچه‌گانه و...)	۲/۷۲ (۲/۲)	عدم پایبندی به مذهب (عدم رعایت مسائل مذهبی)
۲/۶۵ (۱/۹)	عدم مهارت در امور خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت و طرز برخورد با فرزندان	۲/۵۴ (۲/۰۰)	اختلاف سن و سال با یکدیگر (جوان و یا پیر بودن و اختلاف سنی میان همسران)
۳/۰۶ (۲/۶۴)	داشتن ارتباط‌های مشکوک با افراد جنس مخالف	۲/۷۹ (۲/۲۸)	عدم سلامت (جسمی و روانی)
۳/۶۷ (۲/۱۸)	خصوصیات شخصیتی (ناصروری، نامهربانی، تنبلی، بی‌خیالی، حساسیت زیاد، عصبی بودن و...)	۳/۳۱ (۲/۱۶)	مهارت‌های ارتباطی (طرز برخورد و رفتار با اعضای خانواده و یا دیگران، عدم درک دیگران، عدم اجتماعی بودن و عدم رعایت احترام)
		۲/۹۶ (۲/۲۱)	کم هوشی و استعداد کم برای حل مسائل زندگی (دیر متوجه شدن مسائل، ناتوانی در حل مسائل زندگی، غیر منطقی بودن)

هم‌چنین نتایج این تحلیل حاکی از تعامل معنادار جنسیت و نوع عامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی بود ($F(3980, 18) = 12/68, P < 0/001$).

به منظور بررسی ساختار عاملی مقیاس مورد استفاده در این پژوهش، سؤالات مقیاس «عمده‌ترین مشکلات زناشویی» مورد تحلیل عاملی به شیوه مؤلفه‌های اصلی واقع شد. ضریب KMO برای این تحلیل برابر با ۰/۹۵ و مقدار آزمون کرویت بارتلت برابر با ۲۸۹۷/۹۲ بود که در سطح $P < 0/00001$ معنادار می‌باشد.

پس از اطمینان از کیفیت ماتریس همبستگی سؤالات مقیاس و هم‌چنین قابلیت نمونه‌گیری محتوایی مقیاس مورد بررسی (براساس ضریب KMO و مقدار آزمون کرویت بارتلت) براساس نمودار اسکری، دو عامل از ماتریس عوامل انتخاب و به شیوه واریماکس مورد چرخش قرار گرفت. جدول شماره ۳ نشانگر محتوای هر یک از این دو عامل می‌باشد. پس از بررسی محتوای هر یک از این دو عامل، عوامل مورد نظر به ترتیب به نام‌های «فرایندها» و «محتواها» نام‌گذاری شدند (جدول شماره ۳).

ضریب آلفا برای دو عامل «فرایندها» و «محتواها» به ترتیب برابر با ۰/۹۵ و ۰/۸۹ محاسبه گردید که این دو ضریب بیانگر همسانی درونی مناسب این دو عامل است. در توضیح ماهیت دو عامل استخراجی لازم به توضیح است که عامل «فرایندها» به مجموعه کنش‌هایی اشاره دارد که اعضای خانواده را برای انطباقی مؤثر با محیط یاری می‌دهد و عامل «محتوا» به پتانسیل‌ها و سرمایه‌هایی اشاره دارد که در یک خانواده وجود دارد.

جدول ۳: محتوا و بار عاملی دو عامل فرایندها و محتواها

بار عاملی	عاه : محتوا	بار عاملی	عاه ؛ فرایند
۰/۶۲	وضعیت و خصوصیات خانوادگی همسر(اختلاف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی میان خانواده زن و شوهر)	۰/۶۵	یافتن شغل مناسب، دشواری شغلی
۰/۸۴	قیافه و ظاهر (زیبایی، جذابیت، قد، نحوه لباس پوشیدن و آرایش و...)	۰/۶۸	عدم عشق و علاقه و محبت به یکدیگر
۰/۶۶	عدم تحصیلات کافی (اختلاف سطح تحصیلات میان همسران)	۰/۵۵	عدم پایبندی به مذهب (عدم رعایت مسائل مذهبی)
۰/۶۳	اختلاف سن و سال با یکدیگر(جوان و یا پیر بودن و اختلاف سنی میان همسران)	۰/۷۳	مهارت‌های ارتباطی(طرز برخورد و رفتار با اعضای خانواده و یا دیگران، عدم درک دیگران، عدم اجتماعی بودن، عدم رعایت احترام و استفاده از کلمات ناشایست)

ادامه جدول ۳

۰/۶۹	عدم سلامت (جسمی و روانی)	۰/۸۵	کم هوشی و استعداد کم برای حل مسائل زندگی (دیر متوجه شدن مسائل، ناتوانی در حل مسائل زندگی، غیرمنطقی بودن)
۰/۵۷	عدم رضایت از جایگاه و پرستیژ اجتماعی یکدیگر	۰/۷۶	عدم تعهد و وفاداری به زندگی زناشویی
۰/۴۸	درآمد و سرمایه کم برای زندگی، فقر و بی‌پولی	۰/۷۷	عدم استقلال و عدم خود اتکایی (یا وابستگی به دیگران)
		۰/۷۲	غیراخلاقی بودن (عدم صداقت، ریاکاری، خودخواهی و...)
		۰/۷۴	ناپختگی و بی‌تجربگی (بی‌تجربه، عدم ورزشی برای زندگی، سرد و گرم نچشیده، رفتار بچه‌گانه و...)
		۰/۷۱	عدم مهارت در امور خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت و طرز برخورد با فرزندان
		۰/۶۵	داشتن ارتباط‌های مشکوک با افراد جنس مخالف
		۰/۶۲	خصوصیات شخصیتی (ناصبوری، نامهربانی، تنبلی، بی‌خیالی، حساسیت زیاد، عصبی بودن و...)
۲/۰۱		۱۱/۷	ارزش ویژه

مقایسه دو عامل فرآیندها و محتواها به‌وسیله آزمون تی وابسته نشان داد که فرآیندهای خانوادگی در مقایسه با محتواهای خانوادگی به‌طور عمده‌تری موجب بروز مشکلات زناشویی می‌گردد. میانگین فرآیندها و محتواها در تحلیل به ترتیب برابر با ۳/۰۴ و ۲/۶۷ بود ($t = ۵/۳۴, df=۳۷۵, P<۰/۰۰۱$). در واقع براساس نظر شرکت‌کنندگان در این پژوهش در اکثر مواقع این فرآیندها و یا کنش‌های خانوادگی هستند که عامل درگیری‌های خانوادگی می‌شوند.

در پاسخ به سؤال باز موجود در مقیاس (چنانچه عاملی به‌جز عوامل موجود در مقیاس در شش‌ماه گذشته موجب بروز درگیری زناشویی میان شما و همسرتان شده است ذکر نمایید) پاسخ‌دهندگان به عواملی دیگری اشاره داشتند که این عوامل عبارت بودند از: «دخالت اقوام و خویشاوندان همسر در امور زندگی»، «میزان رفت و آمد با برخی از خانواده‌ها»، «مصرف سیگار»، «عادت‌های بد همانند نامرتب بودن وسایل شخصی و عدم رعایت بهداشت» و «بی‌نظمی در ساعت خواب و بیداری». هرچند این عوامل مورد اشاره تعداد کمی از شرکت‌کنندگان بود اما در مطالعات آتی می‌توان آن‌ها را در قالب سؤالات مدرج مقیاس قرار داد تا اطلاعات دقیق‌تری در مورد این عوامل گردآوری شود.

بحث

همان‌گونه که از نتایج این پژوهش پیداست، عوامل متنوعی در ایجاد درگیری‌های زناشویی مؤثر می‌باشند. علی‌رغم تنوع این عوامل، در مجموع شش عامل از عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های

زناشویی هستند: «خصوصیات شخصیتی»، «عدم عشق و علاقه»، «مهارت‌های ارتباطی»، «عدم تعهد و وفاداری به زندگی»، «خصوصیات خانوادگی همسر» و «عدم پایبندی به اصول اخلاقی». با توجه به ترکیب این عوامل این‌گونه به نظر می‌رسد که به استثنای مورد «خصوصیات خانوادگی همسر» که طبق مدل فرآیندها و محتواهای خانواده جزء بعد محتوایی زندگی به حساب می‌آید، پنج عامل دیگر (خصوصیات شخصیتی، عدم عشق و علاقه، مهارت‌های ارتباطی، عدم تعهد و وفاداری به زندگی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی) جزء بعد فرآیندها می‌باشند. بر طبق مدل فرآیندها و محتواهای خانواده که توسط سامانی (۲۰۰۵) مطرح گردیده است و همچنین بر اساس آن‌چه والش (۱۹۹۶) و (۲۰۰۳) و لوتار و همکاران آن را «توان ارتجاعی خانوادگی» خانواده می‌نامند، عمده مشکلات زناشویی ناشی از عواملی است که همسران و به‌طور کلی خانواده را برای سازگاری و انطباق هرچه بیشتر با موقعیت‌ها یاری می‌رساند. در واقع عدم مهارت زن و مرد در فرآیندهای زندگی و یا به عبارت دیگر ناتوانی در مهارت‌هایی که آن‌ها را در انطباق با شرایط جدید یاری می‌کند، عمده‌ترین عامل درگیری‌های زناشویی به حساب می‌آیند.

بررسی جداگانه عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری در زنان با همسران و مردان با همسران نیز حاکی از اهمیت فرآیندهایی داشت که زن و مرد را برای انطباق بهتر با موقعیت‌های مختلف زندگی یاری می‌دهد. سه عامل از چهار عامل مهم مورد اشاره مردان (خصوصیات شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی و عشق و علاقه) و باز هم‌چنین سه عامل از چهار عامل عمده مورد اشاره زنان (همسران عدم عشق و علاقه، خصوصیات شخصیتی و تعهد و وفاداری) جزء بعد فرآیندها بودند. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد تعهد و وفاداری برای زنان در مقایسه با مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است. لازم به ذکر است که این موضوع از عوامل مهم در بروز مشکلات زناشویی می‌باشد. در این خصوص می‌توان به این نکته اشاره نمود که احتمالاً به‌دلیل تنوع و حجم مراودات اجتماعی بیشتر مردان در سطح جامعه در مقایسه با زنان، تعهد و وفاداری بیشتر مورد توجه زنان قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر احتمالاً از نظر زنان مراودات اجتماعی همسر آنان می‌تواند تهدیدی بالقوه برای زندگی زناشویی آنان به حساب آید.

در خصوص تفاوت زنان و مردان همان‌گونه که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، مشکلات مالی و درآمد بیشتر مورد توجه زنان می‌باشد. این یافته با مطالعه باس و همکاران (باس و همکاران، ۱۹۹۰) در خصوص مهم‌ترین ملاک همسرگزینی برای زنان و مردان هماهنگ است. مطابق نظر باس و همکاران (۱۹۹۰) که برخاسته از نظریه تکاملی در همسرگزینی است، موضوع درآمد و سرمایه از اهمیت ویژه‌ای در انتخاب همسر می‌باشد. اهمیت بالای موضوع درآمد و سرمایه به عنوان یک عامل درگیری زناشویی برای زنان در مقایسه با مردان شاید براساس همین نظر قابل توجیه باشد.

لازم به ذکر است هر چند در این مطالعه برخی از موضوعات به‌عنوان شایع‌ترین عامل برای بروز درگیری‌های زناشویی معرفی شدند، اما لازم است تا با گسترش محتوای مقیاس مورد استفاده در این مطالعه (به‌طور مثال با اضافه کردن مواردی که در پاسخ به سؤال باز مقیاس بدست آمد) به اطلاعات وسیع‌تری دست یابیم. این اقدام در خصوص مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل عامل بر عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی نیز حکایت از وجود دو بعد یا دو عامل کلی به‌نام‌های «فرایندها» و «محتواها» داشت. این یافته با مدل فرایندها و محتواهای خانوادگی هماهنگ می‌باشد و یا از چشم‌اندازی دیگر، وجود دو عامل فرایندها و محتواها را در «مدل فرایند و محتوای خانواده» تأیید می‌نماید. مقایسه دو عامل فرایندها و محتواها به‌وسیله آزمون تی نیز نشانگر آن بود که میانگین عامل فرایندهای خانوادگی به‌طور معناداری بیشتر از عامل محتواهای خانوادگی می‌باشد. به‌عبارت دیگر عامل فرایندها بیشتر از عامل محتواها برای همسران ایجاد درگیری می‌کنند. این یافته نیز با ادعای آستیلی و همکاران (۱۹۹۳) و والش (۱۹۹۶) هماهنگ می‌باشد.

نکته بارز و اساسی در خصوص عوامل عمده ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در این تحقیق (فرایندها خانوادگی) آن است که به اعتقاد اکثر نظریه‌پردازان، این عوامل نوعی مهارت در زندگی به حساب می‌آیند و عدم مهارت زن و شوهر در خصوص این موارد موجب بروز درگیری و عدم سازگاری میان آنان می‌شود (والش، ۲۰۰۳؛ دیل، ۱۹۹۶ و سامانی، ۲۰۰۵). این موضوع از سوی نشانگر عدم آشنایی زنان و مردان با مهارت‌های لازم برای زندگی است و از سوی دیگر نشانگر این مطلب می‌باشد که با آموزش این مهارت‌ها، امید به کاهش درگیری‌های زناشویی وجود دارد. طبق نظر سامانی (زیرچاپ) از جمله خصوصیات «فرایندهای زندگی» قابلیت آموزش‌دهی (روانی تربیتی^{۱۱}) این فرایندها می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان این مهارت‌ها را به افراد آموخت. دیل (۱۹۹۶) و هان و همکاران (۲۰۰۲) نیز در مطالعات خود نشان دادند که آموزش «فرایندهای خانوادگی» و یا آنچه والش (۱۹۹۶) آن‌ها را خاصیت «تاب‌آوری خانواده» می‌نامد موجب کاهش میزان درگیری‌های خانوادگی و زناشویی می‌گردد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش این‌گونه به‌نظر می‌آید که لازم است تا تدابیری در راستای آموزش فرایندهای زندگی و یا فرایندهای خانوادگی به افراد جامعه اتخاذ گردد. آموزش مهارت‌های مختلف لازم برای زندگی (از قبیل: مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های کنار آمدن، مهارت‌های بیان خود و درک دیدگاه دیگران،...) در جریان دوران تحصیل و یا برقراری برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی قبل از ازدواج از جمله راهکارهای قابل پیشنهاد در این خصوص می‌باشد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش تمرکز گروه نمونه بر زوج‌های فرهنگی دانشجوی بود. این موضوع خودبه‌خود دامنه قدرت تعمیم نتایج تحقیق را محدود می‌سازد. این محدودیت در مطالعات آتی از طریق انتخاب گروه نمونه متنوع‌تر و وسیع‌تر قابل اصلاح می‌باشد. در ضمن می‌توان با اضافه نمودن برخی دیگر از عوامل درگیری که توسط شرکت‌کنندگان در پاسخ به سؤال باز موجود در مقیاس ارائه شده بود، کفایت محتوایی مقیاس را افزایش داد. به‌طور کلی نتایج این مطالعه را می‌توان، یافته‌هایی مقدماتی و راه‌گشا برای مطالعات آتی به حساب آورد.

یادداشت‌ها

1. Communication skills
2. Problem solving
3. Self-presentation
4. Family cohesion
5. Flexibility
6. Family resilience
7. The Family Process and Content Model
8. Context
9. Pilot study
10. Item analysis
11. Psychoeducational

منابع

- Acitelli, L. K., Douvan, E., & Veroff, J. (1993). Perceptions of conflict in the first year of marriage: How important are similarity and understanding? *Journal of Social and Personal Relationships, 10*, 5-19.
- Barnes, H. L., & Olsen, D. H. (1985). Parental-adolescent communication and the circumplex model. *Child Development, 56*, 438-447.
- Burck, C. (1995). Developments in family therapy in the last five years. *ACPC Review and Newsletter, 17*, 247-253.
- Buss, D. M., Abbott, M., Angleitner, A., Asherian, A., Biaggio, A., Blanco-Villasenor, A., et.al. (1990) International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 21*, 5-47.
- Deal, J. E. (1996). Marital conflict and differential treatment of siblings. *Family Process, 35*, 333-346.
- Gangong, L. H., & Coleman, M. (2002). Family resilience in multiple contexts. *Journal of Marriage and Family, 64*, 346-348.
- Haan, L. D., Hawley, D. R., & Deal, J. E. (2002). Operationalizing family resilience: A methodological strategy. *The American Journal of Family Therapy, 30*, 275-291.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development, 71*(3), 543-562.

- Mackay, R. (2003). Family resilience and good child outcomes: An overview of the research literature. *Social Policy Journal of New Zealand*, 20, 98-118.
- Olson, D. H. (1999). Circumplex model of marital & family systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144-167.
- Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress therapy. *Journal of Marriage and Family*, 64, 349-360.
- Samani, S. (2005, June). Family process and content model. Paper presented in International Society for Theoretical Psychology Conference, Cape Town, South Africa.
- Samani, S. (2007). Spouse selection: Important criteria for Iranian youth. *Psychological Report*, 100, 59-65.
- Smith, G. (1999). Resilience concepts and findings: Implications for family therapy. *Journal of Family Therapy*, 21, 154-158.
- Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evaluation of the concept. *American Journal of Orthopsychiatry*, 3, 1-8.
- Walsh, F. (1996). Family resilience: A concept and its application. *Family Process*, 35, 261-281.
- Walsh, F. (2003). Family resilience: A framework for clinical practice. *Family Process*, 42, 1-18.

